

از روز نامه Le Monde

شماره 21/09/09

بر گردان : قدیر محبوب

طالبان به شمال افغانستان رسیدند،

سر افکنده گی همراه با آنها

در شهر پلخمری ویدیو کستی دست بدست میگردد که موجب در مانده گی همه مردم محل شده است. درین کست در حدود چهل تن پولیس افغان دیده میشوند که در حالت دست و پاچگی توسط شش تن طالب خلع سلاح میشوند. صحنه در ولسوالی دهنه غوری در پنج کیلومتری شهر پلخمری مرکز ولایت بغلان بتاریخ ۱۷ اگست فقط سه روز پیش از آغاز انتخابات ریاست جمهوری به وقوع پیوسته است. درین منطقه طالبان فقط در چند ماه اخیر نفوذ کرده اند.

تصویر ویدیو کمی خیره است اما به وضاحت دیده میشود که طالبان تا دندان مسلح چگونه بر پولیس های کالبد گشته امر کرده آنها با عجله اطاعت میکنند. هر چهل نفر، توسط پنج یا شش نفر طالب محاصره شده یکی پی دیگر تجهیزات خویش: تفنگ، مهمات و واسکت های ضد مرمی خود را به مهاجمین تسلیم میدهند. در آخر به پولیس ها امر میکنند که به موتر (ماشین) های پیک آپ خود سوار شده به سرباز خانه تاراج شده خویش بر گردند. سربازان سر افکنده از زیر چشم این پیام را به مقامات دولتی میرسانند که: در پنج کیلومتری یک شهر بزرگ طالبان حکمروایی میکنند.

اما این حادثه اکنون جز یکی از در گیری های مسلحانه معمول که شمال کشور را به تپایش در آورده اند نیست ، قیام ها یکی پی دیگر در شمال در نزدیکی سرحدات تاجکستان صورت میگیرند و زد و خورد های مسلحانه درین منطقه حادثات معمول روز شده اند. بدترین حادثه درین زون حمله هوایی ناتو در ناحیه علی آباد جنوب کندز بتاریخ

۴ سپتامبر بر لاری های تیل بود که طالبان آنها را به غنیمت گرفته بودند که در آن حمله تعداد زیادی از اهالی تلف شدند. فردای آنروز ژورنالیست **New York Times** آقای **Stephen Farrell** با معاون وی ژورنالیست افغان آقای سلطان منادی در حالیکه از اهالی در رابطه با واقعه گزارش می‌گرفتند ربوده شدند. در شب ۸ بر ۹ سپتامبر توسط قوای ویژه انگلیس آزاد شدند که در نتیجه چهار تن از جمله آقای منادی کشته شدند.

در رابطه با حادثه پلخمري یکی از سربازان پولیس (ما اسمش را محمد غلام مینویسیم) گفت: « ما در کمین دشمن افتادیم جنگ شش ساعت دوام کرد درین مدت هر قدر مخابره کردیم تا برای ما کمک بفرستند، کس توجه نکرد. ما مجبور شدیم تسلیم شویم» محمد غلام نفرت بر داشته است. از دیدگاه او سربازان، عمدی توسط مقامات پولیس فروخته شدند، زیرا « میخواستند ما را توسط طالبان برانند تا بتوانند صندوق های رأی را پُر کنند». به نفع کی؟ « به نفع کرسی» وی جواب داد.

حادثه بغلان از جمله شماری از حوادث مغلق است که در اثر مداخله مرموز افرادی که در مقام های دولتی قرار دارند فضای شهرستانها بر هم زده میشوند طور مثال والی بغلان، اکبر بارکزی، برادر یکی از قوماندانان مشهور گلبدین (اکنون قوت کرده است) در منطقه است. یکی از ناظرین میگوید که وی با حزب اسلامی گلبدین خیلی نزدیک است و موصوف با مخالفین هم بسته است.

از سال ۲۰۰۶ / ۲۰۰۷ به اینطرف آقای کرسی در چارچوب سیاست «مصالحه ملی» خویش تعداد زیادی از افراد حزب اسلامی را در مقامات وزارتخانه ها و ولایات نصب کرده است. مردم پلخمري معتقد اند که تمام افراد یکه در مقامات ولایات قرار داده شده اند روابط خود را با حزب خود و نیرو های مسلح آن حفظ کرده اند. آقای پیکان حیدری رئیس شورای ولایتی بغلان میگوید: «بدون مداخله بعضی از ادارات بی امنیتی به چنین اوج رسیده نمیتوانست.»

به این ترتیب با استفاده از امکانات دولتی حزب اسلامی مراکز خود را در بین علاقه های پشتون نشین ولایات شمال ایجاد کرده است و این مراکز با طالبان روابط اوپراتیفی دارند

مخالفین از روان اقلیت های پشتون ولایات شمال زیاد استفاده میکنند. در وقت سقوط

طالبان در سال ۲۰۰۱ اقلیت های پشتون ولایات شمال از جانب تاجک ها و ازبک ها زیاد زجر و اهانت دیدند. بناً برای مخالفین که از طریق نیم دایره فراه، هرات، بادغیس، فاریاب، سر پل، سمنگان و کندز وارد صفحات شمال کشور میشوند پناه گاه هایی وجود دارد.

باید همچنان علاوه کرد که فشار نظامی ناتو در جنوب هم باعث حرکت طالبان بسوی شمال گردیده است به اضافه اینکه محمولات ناتو اکنون از طریق تاجکستان داخل افغانستان میشود که خود میتواند یک دلیل کافی برای نا آرامی ها در صفحات شمال کشور گردد.

www.ayenda.org